

سرقت ادبی در حقوق کیفری ایران

(مقاله علمی-پژوهشی)

ابوالحسن شاکری*

احسان تیربندی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۱

چکیده

از زمان‌های دور، برخی‌ها از آثار یا نوشته‌های دیگران به نام خود بدون رضایت صاحبان آن‌ها استفاده می‌کردند. اکنون قانون‌گذار با شرایطی این رفتار را جرم سرقت ادبی و قابل مجازات دانسته است. موضوع این جرم آثار یا نوشته‌های دیگران است که مفهوم خاصی داشته باشند؛ اعم از اینکه قبلاً به ثبت رسیده یا نرسیده باشند. محتوی نرم‌افزاری که در فضای مجازی منتشر شده باشد نیز می‌تواند موضوع جرم سرقت ادبی باشد. از مهم‌ترین خصوصیات مقوم این جرم، نشر نوشته‌های دیگران به نام خود یا شخص ثالث در نشریات است؛ اعم از اینکه این نشریه مجوز نشر داشته یا مجوز نشر نداشته باشد یا اینکه این نشریه داخلی یا خارجی باشد یا در داخل یا خارج از کشور منتشر شود. نشر اثر بر مبنای ایده‌ها یا الهامات گرفته‌شده از دیگری را نمی‌توان جرم سرقت ادبی محسوب کرد؛ مگر اینکه عیناً از آن‌ها اقتباس شده باشد. در این مقاله تلاش شده تا با روش توصیفی-تحلیلی به بیان و رفع ابهامات و چالش‌های مرتبط با موضوع مقاله پرداخته شود.

کلید واژگان:

سرقت ادبی، نوشته، اثر، نشریه، جرم.

* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

a.shakeri@umz.ac.ir

** تیربندی، احسان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی مؤسسه آموزشی ادیب مازندران
tirbandpey.ehsan@yahoo.com

مقدمه

جرائم، مخالف نظم جامعه و معمولاً نزد عرف قبیح هستند. قباحیت برخی از آن‌ها ذاتی، یعنی نزد هر انسانی صرف‌نظر از زمان و مکان ناپسند است. قباحیت برخی دیگر قراردادی یا نسبی و لزوماً تابع زمان و مکان خاصی است. سرقت، از جمله جرائمی است که قباحیت آن ذاتی است. بر این اساس، باید در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها سرقت را مخالف وجدان فردی و جمعی جامعه و موجب عقوبت دانست^۱ تا بدین‌وسیله عدالت اجرا شود. در تاریخ کشور ایران قباحیت سرقت و مجازات سارق در دورهٔ ساسانیان قبل از ورود اسلام به ایران مورد توجه بود؛ زیرا «سارقی را که حین ارتکاب جرم دستگیر می‌کردند، به محکمه می‌کشیدند و شیء دزدیده‌شده را به گردن او می‌آویختند و به زنجیرش می‌بستند و به زندان می‌افکندند. این زنجیرها برای جلوگیری از فرار محبوسان نبود، بلکه نشانهٔ اجرای عدالت بود» (راوندی، ج ۱، ۱۳۹۳، ۱۲۸۵). سرقت در اسلام هم مورد توجه واقع شد. آیهٔ ۳۷ سورهٔ مائده^۲ و آیات ۷۰ تا ۷۵ سورهٔ یوسف قرآن به موضوع سرقت پرداخته‌اند؛ لذا قانون مجازات اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. مادهٔ ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ سرقت را این‌گونه تعریف کرده است: «سرقت، عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.» مطابق با این ماده، موضوع سرقت، مال است که با کمی تکلف می‌توان موضوع بحث را که در واقع برخی سوءرفتارها و استفاده‌های پژوهشی، علمی و ادبی متعلق به دیگران است، از آن جهت که این تعلق تعرض به حقوق دیگران است و ارزش مالی هم دارد، بر اساس عناصر اصلی جرم سرقت تقابل و تحلیل کرد که با تسامح قابل پذیرش است. برخی مفهوم این رفتار را مشمول عنوان عدوان می‌دانند، نه سرقت (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ۲۴۳)، اما با توجه به منطوق قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ در مادهٔ شش، به انتخاب عنوان «سرقت ادبی»، با توجه به ارکانی که برای جرم سرقت ادبی لحاظ می‌شود، سرقت ادبی را هم می‌توان داخل در مفهوم سرقت محسوب کرد.

۱. عده‌ای نیز نظر بر این دارند که هیچ عملی اوصاف خوب یا بد ذاتی ندارند. از این رو، در بعضی کشورها مانند ژاپن سرقت ادبی جرم محسوب می‌شود و از سوی دانشجویان در موارد کمی اتفاق می‌افتد، اما این جرم تخلفی اخلاقی به شمار نمی‌آید (Wheeler, 2009, 17).

۲. «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

سرقت ادبی، عقبه طولانی دارد. در گذشته، مرتکب سرقت ادبی^۱ «غارتگر» نام داشت. این اصطلاح را نخستین بار «مارکوس والرئوس مارتیلیوس»^۲، شاعر رومی، در سده نخست میلادی به کار برد، زیرا وی به کسانی که اشعارش را به نام خود عرضه می‌کردند، لقب غارتگر^۳ می‌داد (Black، 2017: 3). در قرن شانزدهم میلادی برای مفهوم سرقت ادبی، واژه انگلیسی Plagiarize به کار گرفته شد^۴ تا بدین وسیله از حقوق صاحبان اثر و نوشته حمایت کنند. سابقه سرقت ادبی در ایران نیز قابل توجه است. در حوزه ادبیات فارسی، اصطلاحی که در نگاه اول با مفهوم سرقت در مباحث علمی و ادبی نزدیک باشد، «سلخ» است. سلخ به این معنا است که شاعر معنی و لفظ را فراگیرد و ترکیب الفاظ آن را بگرداند و بر چستی دیگر آدا کند (رازی، ۱۳۷۳، ۳۹۷-۴۰۱). بنابراین، سلخ در سخن منظوم است. برخی صاحب‌نظران ادبیات فارسی بر این باورند که موضوع سرقت ادبی اختصاص به سخن منظوم ندارد، بلکه اعم از نظم و نثر است که شامل همه انواع سخن از کتاب و مقاله و گفتارهای وعظ و خطابه و سخنرانی نیز می‌شود (همایی، ۱۳۹۴: ۳۷۷) که اعم از نظم و نثر و حتی سخن است. اصطلاح دیگری که در حوزه ادبیات، معادل مفهوم سرقت ادبی در نظر گرفته‌اند، «یتیحال»^۵ است؛ به معنای «سخن دیگری را بر خویشتن بستن و به خود نسبت دادن، بدون تغییر و تصرف در لفظ و معنی آن یا به تصرفی اندک» (معین، ۱۳۸۸: ۳۶۳) که اگر مکتوب باشد، به موضوع جرم سرقت ادبی نزدیک است. صاحب‌نظران معدودی در خصوص موضوع بحث از اصطلاح سرقت استفاده کردند که از جمله آن‌ها صاحب کتاب «الفارق بین المصنف والسارق» است (سیوطی؛ ۱۹۹۸: ۱۸_۲۱)؛ علی‌رغم وجود این سوابق در حوزه ادبیات فارسی ایران و اصل بر توجه قانون‌گذار به آن‌ها، از نظر حقوقی نمی‌توان هیچ‌کدام از آن‌ها را جرم سرقت ادبی دانست؛ حداقل اینکه قانون‌گذار تصریحی در قوانین به آن‌ها نداشته است.

ضرورت مقابله با سرقت ادبی و حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان موجب شده است که کنوانسیون‌های بسیاری در سطوح بین‌المللی در این خصوص تشکیل شود. از مهم‌ترین آن‌ها

1. Plagiarism

2. Marcus valerius martialis

3. plagiaries

4. "Plagiarize." *Merriam-Webster.com Dictionary*, Merriam-Webster, <https://www.merriam-webster.com/dictionary/plagiarize>. Accessed 9 Dec. 2021.

۵. «در شعر من نیایی مسروق و منتحل***در نظم من نبینی ایطا و شایگان» (رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۹: ۳۸۸).

می‌توان به کنوانسیون پرن^۱ (۱۸۸۶) اشاره کرد که آخرین تجدیدنظر آن در سال ۱۹۷۱ و تصحیح آن در سال ۱۹۷۹ در پاریس انجام شد. قابل توجه است که هنوز ایران به عضویت این کنوانسیون در نیامده است.^۲ برخی از ناموران فرهنگی و ادبی ایران حداقل در صد سال گذشته همواره از نبود حمایت قانونی برای جلوگیری از سرقت آثارشان ناراضی بودند.^۳ تحقیقاً همه این عوامل باعث شد تا در ایران نیز به‌منظور حمایت از صاحبان اثر، قوانین متعددی به تصویب برسد؛ مانند قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان^۴ در سال ۱۳۴۸ (و اصلاحات ۱۳۸۹)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ و قانون مبارزه با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶. در هیچ‌یک از این قوانین، اصطلاح یا عبارت «سرقت ادبی» به کار نرفت، اما برای اولین بار در تبصره بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، به سرقت ادبی تصریح و این‌گونه تعریف شد: «ماده ۶: نشریات جز در مورد اخلاف به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند. بند ۹: سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به‌نحوی که تبلیغ از آن‌ها باشد. تبصره: سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به‌صورت ترجمه.»

مباحث مربوط به سرقت ادبی از منظر جرم‌شناسی و همین‌طور از حوزه مطالعات حقوق مالکیت فکری مباحث خاص خود را دارند که این مقاله منصرف از آن‌ها است. این مقاله به ارکان جرم سرقت ادبی با نظر بر طرح مباحث و تازه‌های حقوقی جرم سرقت ادبی، با روش‌شناسی توصیف و تحلیل عناصر جرم می‌پردازد که داخل در حوزه مطالعات حقوق جزای اختصاصی است؛ مانند اینکه: آیا انتشار نوشته یا اثر دیگران از طریق محتوای نرم‌افزاری را

1. Berne convention

۲. در خصوص منافع و زیان‌های ناشی از پیوستن ایران به این کنوانسیون رجوع شود به «درباره نشر کتاب و حق مؤلف» زیر نظر نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

۳. بنگرید به این گله‌مندی: «در ایران هم الحمدالله دوغ و دوشاب به یک قیمت است. آنان که حاصل یک عمر زحمات ما را علناً می‌دزدند و به نام خود منتشر می‌کنند، بیشتر ارج و قرب دارند تا کسی که آن‌ها را یافته و به خرج خود در دسترس عموم گذاشته است. هیچ قانونی هم نیست که دزد معانی را سیاست کند» (افشین وفایی و دیگران؛ ۱۳۹۰: ۴۰۳).

۴. که در این نوشتار به‌صورت مختصر «قانون حمایت حقوق مؤلفان» خوانده می‌شود.

می‌توان جرم سرقت ادبی دانست؟ آیا نشر نوشته‌ای بر مبنای ایده دیگری را می‌توان جرم سرقت ادبی محسوب کرد؟ آیا نشر نوشته به نام خود بر مبنای الهامات گرفته‌شده از اثر منتشرشده دیگری، جرم سرقت ادبی است؟ که باید با لحاظ آموزه‌های فقهی و حقوقی پاسخ آن‌ها را مطرح کرد؛ لذا با نظر به مقومات جرم، مباحث تحت عناوین «آثار و نوشته‌ها»، «تعلق آثار و نوشته‌ها به دیگران»، «عدم رضایت صاحب اثر یا نوشته»، «انتساب آثار و نوشته‌ها به خود»، «نشریه به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم»، «عمدی بودن» و در انتها «مجازات مرتکب جرم سرقت ادبی» به‌مثابه ضمانت اجرای ارتکاب این جرم بررسی شدند.

۱. آثار و نوشته‌ها

موضوع سرقت ادبی «آثار و نوشته‌ها» در تبصره بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات منصوص است. در این قانون، «نوشته» تعریف نشد، لذا برای تعریف آن، ابتدا باید به فرهنگ لغت توجه کرد که مشترک عموم مردم است. «نوشته» در لغت معنای «به روی کاغذ آوردن اندیشه و مطلب، به‌وسیله مداد یا قلم» است (معین، ۱۳۸۶: ۱۹۹۴). تحقیقاً در عرف با لحاظ فضای مجازی، این تعریف باید توسعه پیدا کند تا نوشته‌های الکترونیکی و مواردی از این قبیل مانند نوشته در فضای مجازی را نیز شامل شود. در ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان که در بند یک از «نوشته» یاد کرده، از آثار تحت حمایت هم نام برده است.^۱ در نگاه اول، این‌گونه به نظر می‌رسد که بین اثر و نوشته، رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر نوشته‌ای اثر محسوب می‌شود، ولی هر اثری نوشته محسوب نمی‌شود. در این صورت، باید قائل بر این بود که در کلام قانون‌گذار «نوشته» زاید است، در حالی که لزوماً می‌تواند این‌چنین نباشد؛ چراکه عموماً در «اثر» نوآوری است، ولی این‌گونه نیست که در نوشته نیز حتماً نوآوری باشد؛ مثلاً بسیاری از جزوه‌ها و کتاب‌ها که دارای مفاهیم مشابه و فاقد بداعت و نوآوری هستند، اما با وجود تشابه در مفهوم، از این جهت که عیناً مورد استفاده قلم نویسندگان قرار نمی‌گیرند، سرقت ادبی محسوب نمی‌شوند.

۱. «۱- کتاب، رساله، جزوه، نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری؛ ۲- شعر، ترانه، سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛ ۳-...».

واژه «اثر» در فرهنگ فارسی به معنای «نتیجه» یا «محصول کار هنرمندی که دلالت بر وجود او کند» است (معین، ۱۳۵۳: ۱۴۰). همچنین می‌توان از مفهوم تبصره ماده ۶ قانون مطبوعات که بیان می‌دارد «... نسبت دادن تمام یا بخش قابل توجهی از آثار...» استفاده کرد که اثر مورد سرقت باید مفهوم خاصی داشته باشد؛ بنابراین، آنچه از راه دانش، هنر یا ابتکار پدید آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان، ظهور یا ایجاد آن به کار رفته است، «اثر» نامیده می‌شود. قانون حمایت حقوق مؤلفان به ابتکاری بودن اثر توجه کرده است. اثر ابتکاری محصول اندیشه و تلاش مستقل است؛^۱ حتی اگر ترکیبی از چند اثر باشد. ابتکاری بودن یک اثر، مستقل از تازگی یا ارزش هنری داشتن اجزای آن است. اگر دو فیلم‌نامه‌نویس یکی پس از دیگری درباره یک ایده یا داستان (مثلاً داستان قرآنی) فیلم‌نامه بنویسند، اثر هر یک با توجه به اینکه برآمده از پدیدآورنده مستقل و خاصی است، اصیل تلقی می‌شود؛ هرچند فیلم‌نامه دوم تازگی نداشته باشد؛ لذا تازگی شرط ضروری برای حمایت از آثار نیست (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۹). بر این اساس، «بینامتنیت»^۲ به معنای شکل یافتن متنی جدید بر اساس متون معاصر یا قبلی، به طوری که متن جدید فشرده‌ای از تعدادی متون که مرز بین آن‌ها محو شده و ساختارش به شکلی تازه باشد و از متون قبلی چیزی جز ماده آن باقی نماند^۳ (عزام، ۱۳۸۷: ۲۹) به وجود می‌آید. اثر از این جهت اندیشه‌ای بدیع نیست، ولی چون ابتکاری و از حقوق مؤلف به شمار می‌رود، می‌تواند موضوع جرم سرقت ادبی باشد که متفاوت با مفهوم سرقت علمی است که جایگاه و

۱. این خاطره از یونگ نیز اشاره به بحث دارد: «نیچه در کتاب چنین گفت زرتشت به نقل تقریباً کلمه به کلمه ی واقع ای که در دفتر یادداشت یک کشتی در سال ۱۶۸۶ نوشته شده بود پرداخته است. برحسب اتفاق من این واقع را در اثری که سال ۱۸۳۵ انتشار یافته بود خواندم (نیم قرن پیش از آن که نیچه کتابی خود را بنویسد). وقتی من این بخش از یادداشت را در چنین گفت زرتشت یافتیم از شیوه نگارش کاملاً متفاوت آن با شیوه نگارش نیچه جا خوردیم و به این نتیجه رسیدیم که نیچه گرچه اشاره نکرده اما آن کتاب را خوانده است. بنابراین برای خواهر وی که هنوز زنده بود نامه ای نوشتم و او تایید کرد که وقتی برادرش ۱۱ ساله بوده باهم کتاب را خوانده - اند. من فکر می‌کنم با توجه به این موضوع نمی‌توان پذیرفت که نیچه مرتکب سرقت ادبی شده باشد و بر این باورم که این بخش از یادداشت ۵۰ سال بعد ناگهان در ذهن خودآگاه وی راه یافته است.» (یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، نشر جامی، چاپ ۱۱، ۱۳۹۷، ص ۴۳).

2. Intertextuality

۳. به طور ساده می‌توان گفت که: «بینامتنیت به نحوه تأثیر متن‌ها در شکل‌گیری یکدیگر» می‌پردازد (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۱۰).

عنوان قانونی ندارد. «سرقت علمی» معادل دیگری از واژه Plagiarism دانسته شده است^۱ و آن را این گونه تعریف کردند: «برگرفتن و استفاده از ایده، فکر، لغات و ابتکارات متعلق به دیگری به نام خود» (شاکری، ۱۳۹۸: ۶۵۸). با این توصیف از سرقت علمی و خصوصاً واژه‌های ایده، فکر و ابتکارات، باید قائل بر آن بود که گستره سرقت علمی قلمرو وسیعی دارد. موضوع سرقت علمی اعم از ایده و فکر است که امکان تحقق غیرعمدی بودن این نوع سرقت نیز وجود دارد؛ ولی موضوع سرقت ادبی محدود به نوشته و اثر است که عمداً و بدون استناد، به نام نویسنده دیگری واقع می‌شوند. همچنین باید توجه داشت که اصطلاح سرقت علمی در قوانین موضوعه یافت نمی‌شود. در قانون «پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» مصوب ۱۳۹۶، به تقلب در تهیه اثر علمی اشاره شده که غیر از سرقت علمی است. برخی برای سرقت علمی «دو عنصر کپی غیرمجاز و انتساب به خود» برشمرده‌اند (همان: ۶۷۳) که کپی غیرمجاز عناصر و مقومات سرقت ادبی را ندارد.

در اینکه ایده می‌تواند موضوع سرقت ادبی باشد، محل بحث است. منظور از ایده، فکری است که هنوز مفهوم آن در خارج از ذهن تجسم و عینیت نیافته است. برخی بر این نظر هستند که ایده نیز می‌تواند موضوع سرقت ادبی باشد. در فرهنگ لغات انگلیسی به سرقت ادبی ایده توجه شده است: «تصاحب و تملک ایده‌ها، نتایج و عبارات بدون ذکر و اعتبار پدیدآورنده»^۲ (Hornby, ۲۰۰۴، ۹۶۲). این نوع رفتار به دلالت التزامی باید به‌طور عمدی صورت گیرد تا سرقت ادبی شناخته شود. در حقیقت، استفاده از ایده دیگری را باید به تسامح سرقت ادبی ایده دانست، زیرا در آن، استفاده از عین عباراتی که متضمن ایده دیگری باشد، واقع نمی‌شود. در مقابل، برخی نظر بر جرم نبودن سرقت ایده دارند. همچنان که از مجموعه مفاهیم ماده ۲ و ۳ کنوانسیون برن نیز به دست می‌آید، اثری تحت حمایت قوانین قرار دارد که به عینیت رسیده و به‌گونه‌ای عینی و مادی عرضه شده باشد. این نظر هم‌سو با قانون کپی‌رایت ایالات متحده^۳ است که برداشت از ایده شخص دیگری را جرم سرقت ادبی محسوب نمی‌کند. موضوع سرقت ادبی

۱. برخی ترجمه Plagiarism را به سرقت ادبی دقیق‌تر و موجه‌تر از سرقت علمی دانسته‌اند (شریف‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۴).
 ۲. "Copy another person's ideas, words or work and pretend that they are your own."
 ۳. Section 102 "In no case does copyright protection for an original work of authorship extend to any idea, procedure, process, system, method of operation, concept, principle, or discovery, regardless of the form in which it is described, explained, illustrated, or embodied in such work"

ممکن است بخشی از اثر مانند مقدمات و بحث‌های اولیه باشد، ولی متضمن هیچ‌گونه ایده‌ای نباشد (Bouville, 2008: 311)؛ به شرطی که عیناً همان مقدمات و بحث‌های اولیه به کار رود. بنابراین، چنانچه مفهوم مقدمه و مباحث اولیه متن نویسنده‌ای با مفهوم و مباحث اولیه متنی متعلق به شخص دیگر برابر باشد، سرقت ادبی واقع نشده است؛ چراکه این مباحث، ابتکاری یا متضمن ایده خاصی نیستند. در قانون ایران، در تعریف سرقت ادبی به ایده توجه نشده است. از ماده ۶ قانون مطبوعات این‌گونه برمی‌آید که نمی‌توان صرف ایده را که هنوز به مرحله پدید آمدن نرسیده است، تحت حمایت قانون قرار داد. در این خصوص قابل توجه است که باید بین استفاده از ایده و نشر متن متضمن ایده، تفاوت قائل شد؛ لذا نشر یا استفاده از ایده دیگری به نام خود در حقوق ایران جرم سرقت ادبی نیست، اما اگر سرقت ادبی در بخشی از نوشته یا اثری باشد که متضمن ایده‌ای است، به اعتبار استفاده غیرمجاز از اثر، سرقت ادبی صورت گرفته است. بر این اساس، اگر در ایران، شخصی بر اساس ایده مذکور در اثری به نتایجی برسد یا بر اساس آن آثاری را خلق کند، مرتکب جرم سرقت ادبی نشده است.

۲. تعلق آثار و نوشته‌ها به دیگران

از عناصر جرم سرقت، اعم از اینکه مجازات آن حد یا تعزیر باشد، تعلق مال به دیگری است. برای تحقق جرم سرقت ادبی آثار یا نوشته باید به دیگری متعلق باشد، اعم از اینکه دیگری در مقام پدیدآورنده اثر یا نوشته، ایرانی باشد یا خارجی، زنده یا حتی مرده باشد. پدیدآورنده اثر یا نوشته همیشه یک شخص خاص نیست، بلکه ممکن است اثر یا نوشته متعلق به چند شخص باشد که به استناد ماده ۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان «اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آن‌ها جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است»؛ بنابراین، منظور از «دیگری» مذکور در تبصره بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات دلالت بر شخص ثالثی غیر از استفاده‌کننده دارد؛ اعم از اینکه یک شخص یا بیش از آن^۱، اعم از حقیقی یا حقوقی باشند. در این موارد این‌گونه آثار مشترک را می‌توان متعلق به همه پدیدآورندگان اثر دانست. اثر مشترک مانند هر مال مشاع

۱. به طنز، از ویلسون منزر نقل شده: «دزدیدن از یک نویسنده، سرقت ادبی است، اما اگر از چند نویسنده بدزدید، اسمش می‌شود تحقیق!» (هیرمندی، ۱۳۸۹: ۴۳۰).

احکام خاص خود را دارد؛ از جمله آن‌ها این است که تصرف در آن با رضایت سایر شرکا، مجاز است و تحقق جرم از سوی شریک نسبت به مال مشاع ممکن است (حبیب‌زاده و شاملو، ۱۳۸۱: ۵۱)؛ لذا با توجه به اینکه می‌توان مال مشاع را موضوع سرقت دانست، امکان تحقق جرم سرقت ادبی نیز در اثر مشترک برای هر یک از شرکایی وجود دارد که بدون ذکر نام شریکش اثر مشترک را فقط به نام خود نشر دهد.

سرقت ادبی باید از اثری صورت گیرد که ابداع پدیدآورنده آن و دارای اصالت باشد؛ یعنی خود اثر، اثری سرقت‌شده از اثر دیگری نباشد؛ کسی که خود سرقت اولیه را انجام داده، حق شکایت یا ادعای خصوصی ندارد. «وقتی می‌گوییم کسی حق دارد، در واقع صلاحیتی برای او قائل می‌شویم» (موحد، ۱۳۹۶: ۶۳)، و الا وی اساساً فاقد این امتیاز قانونی است. در خصوص آثار گردآوری‌شده، به معنای مجموعه‌ای از اثرهای هر یک از صاحبان آن که متمایز از یکدیگر هستند، مانند کتابی که از مجموع چند مقاله متعلق به اشخاص مختلف پدید آمده است، اگر فقط بخشی از یک مقاله مورد سرقت قرار گیرد، نمی‌توان برای دیگر صاحبان مقاله‌ها این حق را قائل شد و آن‌ها را «دیگری» نامید، زیرا اثر هر یک از پدیدآورندگان در متن یا متون مشخص جداگانه‌ای است. هر یک از صاحبان مقاله از یک کتاب فقط برای مقاله خود دارای حقوق قانونی مثلاً شکایت از سرقت ادبی دارد، نه دیگران که در ایجاد آن اثر دخالتی نداشتند. صرف نشر در یک کتاب مشترک نمی‌تواند برای دیگر صاحبان اثر حقی ایجاد کند.

۳. رضایت نداشتن صاحب اثر یا نوشته

از حقوق غیرمادی صاحب اثر، حق او در کنترل، انتشار یا عرضه اثر خود به عموم است. تا زمانی که مؤلف به اعلان اثر خویش مبادرت نکند، هر شخصی باید حرمت افشای آن را از نشر نگه دارد؛ بنابراین، صاحب اثر حق دارد در خصوص زمان، شیوه و شرایط عرضه اثر خویش به عموم تصمیم‌گیری کند (گربادو، ۱۳۸۰: ۴۳)، والا رضایت صاحب اثر وجود ندارد که عدم آن خصوصیت مشترک جرائم علیه اموال مثل سرقت است. در اینکه جرم سرقت ادبی، علیه اموال محسوب می‌شود، به نظر برخی، سخن تمام و کامل نیست؛ از این جهت که اگر متعلق سرقت ادبی مربوط به شخص خاص باشد، این جرم خصوصیات جرائم علیه اموال را دارد؛ اما اگر متعلق جرم مربوط به شخص خاصی نباشد، برخی آن را مصداق عدوان دانسته‌اند (جعفری لنگرودی،

۱۳۹۷: ۲۴۳) که منظور خروج از مباحث جرم و مجازات و صرفاً سوءاستفاده مدنی است، زیرا وقتی اثر به شخص خاصی اعم از حقیقی یا حقوقی منتسب نباشد، بحث رضایت منتفی است؛ لذا از حوزه مباحث جزایی جرائم علیه اموال خارج می‌شود.

معمولاً پدیدآورندگان اثر یا نوشته اشخاص حقیقی هستند. ممکن است گفته شود اشخاص حقوقی بنا بر ماهیت خاص خود که وجود اعتباری دارند، نمی‌توانند پدیدآورنده اثر یا نوشته‌ای باشند؛ پس بزه‌دیده جرم سرقت ادبی هم نمی‌تواند شخص حقوقی باشد؛ ولی با نگاه به متن قانون در تبصره بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات در تعریف سرقت ادبی، قانون‌گذار از عبارت «آثار و نوشته‌های دیگران» نام برده است که اطلاق بر اشخاص حقوقی هم دارد؛ مخصوصاً اینکه ممکن است اثری به شخص حقوقی منتقل و مالک آن شود.

رضایت ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد؛ بنابراین، چنانچه ثابت شود شخصی با رضایت غیرمستقیم صاحب اثر یا نوشته‌ای تمام یا بعضی از آن‌ها را به نام خودش یا شخص ثالثی اعلام کند و نشر دهد، جرم سرقت ادبی واقع نشده است. هرچند رضایت در زمان نشر غیر از رضایت در زمان شکایت است، ولی از اثر واحدی برخوردارند؛ لذا اگر اعلام رضایت صاحب اثر، بعد از استفاده از اثر یا نوشته و وقوع جرم سرقت ادبی ولی قبل از شکایت باشد، نباید مرتکب را تحت تعقیب جزایی قرار داد، چراکه در زمان شکایت، رضایت صاحب اثر به نشر اثر یا نوشته وجود دارد.

۴. انتساب آثار و نوشته‌ها به خود

رفتار مادی جرم سرقت ادبی، نسبت دادن آثار یا نوشته دیگری به خود یا حتی شخص ثالث است؛ هرچند معمولاً هیچ اثری منحصرأ از قلم و فکر امضاکننده آن تراوش نمی‌کند، ابداع و ایجاد مطلق و بی‌سابقه، اگر به کلی نایاب نباشد، قطعاً کمیاب است (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۹۸)، ولی وقتی که عیناً به اقتباس یا نمایه نرسد، نمی‌توان آن را سرقت ادبی دانست؛ بنابراین، چنانچه مفهوم مورد نظر صاحب نوشته، با کلمات یا عبارات دیگری نوشته شود و نشر یابد، نمی‌توان آن را سرقت ادبی دانست. همین‌طور است اگر نوشته و اشعار شخصی منبع الهام باشد، استفاده از آن را نباید جرم سرقت ادبی دانست، ولی اگر نوشته دیگران به صورت ترجمه به نام خود یا ثالث در نشریه منتشر شود، با لحاظ تبصره بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات، جرم سرقت ادبی واقع می‌شود؛

ولی در آثار غیر نوشتاری آنچه اهمیت دارد، بیان و ارائه اثر است، بدون اینکه لازم باشد عیناً یا دقیقاً به همان کم یا کیفی باشد که صاحب اثر ایجاد کرده است.

منشأ سرقت ادبی ممکن است خصایص سوء اخلاقی و روانی از جمله حسادت به پیشرفت و توان علمی دیگران، عقده نارسبستی^۱ و علاقه به اظهار فضل و مطرح شدن میان اهل علم باشد. طبق تحقیقات به عمل آمده، تخلفات فناورانه و سرقت ادبی درصد بیشتری از تخلفاتی را شکل می‌دهند که در این افراد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است (Hogan, 2012: 11). در نظر برخی روان‌شناسان «فرد با بزرگی از احساس دردآور پوچی رهایی می‌یابد. این منظور با توسل به تصوراتی مانند خود را نابغه، دانشمند، مخترع و هنرمند فرض کردن حاصل می‌شود» (چهرقانی، ۱۳۸۲: ۴۶). تحقیقاً به سستی می‌توان این اختلال را داخل در اختلالات روانی رافع مسئولیت به نام جنون دانست که در تعریف مذکور در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی آمده است؛ چون مرتکب هنوز قوه تمییز خود را از دست نداده و می‌تواند واقعیت‌ها و ارزش‌ها را تمییز دهد.

اگر شخصی اثر یا نوشته متعلق به دیگری را به نام خود یا شخص ثالثی بشناساند، هرچند ممکن است در مورد اخیر از مزایای مادی یا معنوی آن منتفع نشود، ولی چون انتفاع مادی یا معنوی از اثر یا نوشته، شرط تحقق جرم سرقت ادبی نیست، تأثیری در مقام ندارد و می‌توان وی را سارق ادبی محسوب کرد. اما شخص ثالثی که اثر به او نسبت داده شده، حتی اگر از حقوق مادی و معنوی آن بهره‌مند شود، چون وی هیچ‌یک از عملیات مادی سرقت ادبی را مرتکب نشده است، نمی‌تواند مرتکب این جرم محسوب شود؛ حتی اگر آگاه به این رفتار شخص ثالث باشد و او را از این کار منع نکند. اما اگر کسی بدون رضایت پدیدآورنده، اثر او را به نام خود او منتشر کند، یعنی ثالث، خود صاحب اثر یا نوشته باشد، هرچند این عمل طبق ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان^۲ جرم خاصی است، چون این اثر به شخص پدیدآورنده آن منسوب شده، این عمل را نباید سرقت ادبی محسوب کرد.

1. Narcissism

۲. ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان: «هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که تحت حمایت این قانون است ... به نام پدیدآورنده آن بدون اجازه او ... نشر یا پخش یا عرضه کند، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

۵. انتشار در نشریه

معمولاً جرائم در شرایط و اوضاع و احوال یا با وسیله خاص واقع می‌شوند. چه بسا آن‌ها به‌صراحت نصّ قانون از مقومات جرم باشند؛ یعنی بدون آن‌ها جرم واقع نمی‌شود، مانند جرم سرقت ادبی که مستند به ماده ۶ قانون مطبوعات وقوع آن به‌وسیله نشریه ممکن است، مفهوم مخالف آن است که جرم سرقت ادبی با سخنرانی، دکلمه، حرکات پانتومیم یا هر آنچه غیر از نشریه باشد مانند نوشته‌های خطی واقع نمی‌شود. پس اگر صاحب انتشارات بدون رضایت صاحب اثر، نوشته یا اثری را از وی چاپ کند، در صورتی که اثر وی سابقاً چاپ نشده بود، سرقت ادبی محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً به استناد ماده ۲۳ قانون حمایت مؤلفان می‌توان عمل وی را تحت عنوان «چاپ و نشر و توزیع بدون مجوز اثر دیگری» جرم دانست که به استناد دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۸۰۱۲۴۰ صادره از شعبه ۱۰۹ دادگاه عمومی رویه قضایی نیز به شمار می‌آید. بر این اساس، در فرضی که چند شخص با یکدیگر در نوشتن اثری (مانند مقاله) مشارکت کنند، اما نام یکی از این نویسندگان از سوی باقی افراد حذف شود و در اثر نهایی که به چاپ می‌رسد نام وی وجود نداشته باشد، این عمل را مطابق مصوبه وزارت بهداشت با عنوان «راهنمای کشوری اخلاق در انتشار آثار پژوهشی» به سال ۱۳۹۹، باید سوءرفتار پژوهشی دانست، نه سرقت ادبی؛ زیرا شرط سرقت از اثری که سابقاً در نشریه‌ای چاپ شده است، در این حالت وجود ندارد.

«نشریه» در قانون تعریف نشده است. نشریه در لغت به معنی ورقه یا مجموع اوراق چاپی است که آن‌ها را انتشار دهند (عمید، ۱۳۷۹: ۱۹۰۶). با لحاظ تعریف سرقت ادبی در قانون مطبوعات این انتظار است که وسیله این جرم، مطبوعات باشد؛ ولی در این قانون از نشریه تحت عنوان وسیله ارتکاب جرم تصریح شده است که اطلاق بر مطبوعات هم دارد، زیرا مطابق با ماده یک قانون مطبوعات: «مطبوعات در این قانون عبارت‌اند از نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند.» بر این اساس، نشریاتی که خصوصیات فوق را نداشته باشند، مطبوعات محسوب نمی‌شوند، هرچند ممکن است نشریه باشند. به تعبیر دیگر، نشریات بر دو قسم است: برخی داخل در تعریف مطبوعات هستند، ولی برخی نشریات، داخل در تعریف مطبوعات نیستند، زیرا خصوصیات

تعریف شده در قانون مطبوعات را ندارند؛ چراکه مستند به تبصره ۲ ماده ۲ یک قانون مطبوعات: «نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر شود، از شمول قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی است.» صرف اطلاق عرفی نشریه بر منتشره‌ای کافی است که آن منتشره نشریه محسوب شود؛ در این صورت، نشر بدون مجوز نوشته یا اثر دیگران در آن به نام خود یا دیگری جرم سرقت ادبی است؛ هرچند این نشریه مطبوعه نباشد؛ والا قانون‌گذار در تعریف سرقت ادبی از کلمه «مطبوعات» استفاده می‌کرد یا اینکه «نشریه» مذکور در تعریف سرقت ادبی را مقید به اوصاف خاص مانند داشتن مجوز می‌کرد. بر این اساس، نشر بدون مجوز اثر یا نوشته‌ای از دیگران در هر نشریه داخلی و خارج از کشور که خصوصیات اضافی مذکور در قانون مطبوعات به‌مثابه نشریه را هم ندارند، وقوع جرم سرقت ادبی را منتفی نمی‌سازد. مطابق با ماده ۱ یک قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب ۱۳۷۹)^۱ حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده آن است. با توجه به اینکه نشریه الکترونیکی در فضای مجازی نمایه می‌شود و مستند به تبصره ۳ ماده ۱ یک قانون مطبوعات کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون هستند، از این جهت تفاوتی میان انتشار الکترونیکی اثر در فضای مجازی و انتشار آن در فضای واقعی با نشر کاغذی یا امثال آن نیست؛ لذا انتشار محتوی نرم‌افزاری دیگران به نام خود یا ثالث در بستر فضای مجازی که طبق مقررات یا عرف زیر عنوان نشریات الکترونیکی قرار گیرند نیز سرقت ادبی محسوب می‌شود.

انتشار اثر در برخی کشورها تحت حمایت مقررات دیگری به نام کپی‌رایت قرار دارد. سال ۱۷۱۰ میلادی از این جهت نقطه عطفی در تاریخ حقوق نشر است که انگلیسی‌ها در تدوین و تصویب نخستین لایحه‌های قانونی آن پیشگام بودند (آذرنگ، ۱۳۹۷: ۱۰۲). قانون کپی‌رایت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۹۰ تصویب شد که از مقررات مشابه انگلیسی الگوبرداری کرده بود. در این قانون چندین تغییر و اصلاح ایجاد شد که مهم‌ترین آن‌ها، قانون حق چاپ (کپی‌رایت) در سال ۱۹۷۶ است (E lakhan and Khurana, 2008:7). در ماده ۱۰۱ قانون

۱. «حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده آن است. نحوه تدوین و ارائه داده‌ها در محیط قابل پردازش رایانه‌ای نیز مشمول احکام نرم‌افزار خواهد بود.»

کپی‌رایت آمریکا آمده است: «تنها در صورتی که کار برای اولین بار منتشر شده باشد»^۱ قانون از آن اثر حمایت می‌کند و کپی کردن و استفاده از آن اثر را خلاف حقوق پدیدآورنده می‌داند. در واقع، کپی‌رایت زیرمجموعه حقوق مالکیت است که موضوع آن آثار ادبی مانند کتاب داستان، شعر، نمایش‌نامه، روزنامه‌های رایانه‌ای، پایگاه داده‌ها، فیلم، قطعات موسیقی، آثار هنری مانند نقاشی، طراحی، عکس و مجسمه و ... است. حقوق ناشی از کپی‌رایت این حق را به دارنده خود می‌دهد تا بتواند اراده خویش را در تکثیر اعمال و از آثار مادی آن استیفا کند (سالاری و صالحی راد، ۱۳۹۰: ۸۲). در مجموعه قوانین ایران به عبارت یا جرم کپی‌رایت اشاره‌ای نشده است، بنابراین، اساساً نمی‌توان کسی را تحت عنوان ارتکاب جرم کپی‌رایت محاکمه کرد، اما در این خصوص تشابهاتی میان مقررات مربوط به کپی‌رایت و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و قانون مطبوعات دیده می‌شود. سرقت ادبی تنها شامل بخشی از این مقررات است که با هدف حفظ این حقوق تنظیم شده است. در ایران صرف کپی کردن به معنی چاپ کردن آثار دیگری حتی بدون رضایت وی تا زمانی که به حد تکثیر در مصداق مفهوم نشریه نرسد، جرم سرقت ادبی محسوب نمی‌شود، چراکه انتشار اثر دیگری از طریق نشریه جرم است.

با توجه به گسترش روزافزون مراکزی که اقدام به تهیه آثاری به اسم شخص دیگر می‌کنند و این آثار عموماً خود، از آثار دیگر گرفته شده و نوآوری در آن‌ها نیست، بلکه غالباً برای ارائه آن اثر به مراکز دانشگاهی یا مراکزی است که شخص به دنبال موفقیت بدون رنج است، قانون‌گذار را بر آن داشته که قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی را به تصویب برساند. در ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی آمده است: «تهیه، عرضه یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب یا ضبط‌شده پژوهشی-علمی یا هنری اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به‌عنوان حرفه یا شغل با هدف ارائه کل اثر یا بخشی از آن توسط دیگری به‌عنوان اثر خود، جرم بوده»، اما این اشخاص، مرتکب جرم سرقت ادبی محسوب نمی‌شوند؛ چراکه رفتار آن‌ها اقدام در یک نشریه نبوده و همچنین در این جرم خاص عناصر دیگری از قبیل قصد انتفاع و انجام آن به‌عنوان حرفه یا شغل، باید وجود داشته باشد.

1. Section 101: "a work is a "United States work" only if— (1) in the case of a published work, the work is first published"

۶. عمد در نسبت دادن

برای تحقق جرم، صرف فعل یا ترک فعل که منجر به نقض قانون شود، کافی نیست؛ بلکه رفتار مجرمانه باید متأثر از حالت سوء روانی مرتکب باشد که از آن تحت عنوان قصد در ارتکاب جرم نام برده می‌شود. به تصریح تبصره بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات سرقت ادبی با «نسبت دادن عمدی» واقع می‌شود؛ حتی اگر عبارت مذکور در کلام مقنن نمی‌آید، با لحاظ تفسیر مضیق قوانین به نفع متهم، تصور اینکه وی به تقصیر، اثر یا نوشته دیگری را به نام خود یا ثالث مورد استفاده و نشر قرار دهد، جرم تلقی نمی‌شد. مطابق با ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی عمد متضمن آگاهی (علم به موضوع) و قصد مرتکب در رفتار مجرمانه است؛ از این رو، مرتکب جرم سرقت ادبی باید عالم به رفتار مجرمانه خود بوده و قصد ارتکاب جرم سرقت ادبی را داشته باشد تا مستحق مجازات شود. تحقیقاً علم به حکم یعنی علم به قانون مفروض است؛ چراکه مستفاد از ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی جهل به حکم مسموع نیست. در آمریکا ذکر عبارات، نوشته‌ها، اندیشه‌ها و ایده‌های دیگران بدون استناد، حتی اگر غیرعمدی هم باشد، جرم است^۱ که از این جهت متفاوت با حقوق ایران است؛ زیرا در حقوق ایران عموماً مرتکب زمانی مجرم است که در رفتار خود قصد داشته باشد، مگر اینکه قانون استثنائاً تقصیر را مقوم جرم اعلام کند.

هرگاه دو نفر اثری ابداع کنند که نسبت به هم مقدم و مؤخر باشد و حتی عیناً مطابق یکدیگر باشد، هر دو اثر اصیل و ابتکاری تلقی می‌شوند، زیرا بدون اطلاع از وجود اثر مقدم، اثر مؤخر به وجود آمده است. به این رفتار با کمی تسامح، «توارد» گفته می‌شود. توارد در اصطلاح «گذشتن مضمون یا تعبیری در خاطر شاعری مثل آنچه در ذهن شاعری دیگر گذرد به غیر اخذ و سرقت» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵)، در واقع، توارد به معنی مانند بودن شعر دو شاعر، هم در لفظ و هم در معنا بدون اطلاع داشتن هیچ‌کدام از یکدیگر است. عبارت صحیح‌تر آن توارد خاطرین (به صیغه تثنیه عربی) است که در اصل به معنی رسیدن دو نفر به یکدیگر در یک جا و از یک سرچشمه آب گرفتن است (مرتضایی، ۱۳۹۳: ۶۷). در توارد هیچ‌یک از دو طرف از همدیگر اطلاع و آگاهی ندارند، لذا غیرعمدی است. با لحاظ اینکه در تبصره ماده ۶ قانون مطبوعات که

1. The University of North Carolina defines plagiarism as “the deliberate or reckless representation of another’s words, thoughts, or ideas as one’s own without attribution,…” <https://writingcenter.unc.edu/tips-and-tools/plagiarism/>

در تعریف جرم سرقت ادبی از کلمه «عمداً» استفاده شده و سرقت ادبی جرم عمدی است، توارد را طبق مواد ۱۴۴^۱ و ۱۴۵^۲ قانون مجازات اسلامی به علت نبود عمد نمی‌توان سرقت ادبی محسوب کرد؛ در این صورت، ممکن است دو فرد به‌طور مستقل به یک اثر یا نتیجه‌ای واحد برسند. در صورتی که اثر آن‌ها از روی اثر دارای حق مؤلف برداشت نشده باشد، جرمی واقع نشده است؛ بنابراین، بعد از انتشار اثرها اگر یکی از آن دو فرد متوجه این موضوع شود که هر دو اثر مانند یکدیگرند، شخصی که بعد از انتشار، مطلع شده، مجاز نیست مانع انتشار بعدی آن اثر شود، چون جرم و مسئولیتی واقع نشده است.

قابل توجه است که ماده ۱۲ آیین‌نامه قانون مطبوعات به تعریف جرم سرقت ادبی تخصیص یافته است؛ چراکه در این ماده مقرر شده «نقل مطالب از رسانه‌ها و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به‌منظور بررسی، تحقیق، نقد و رد مطالب بلامانع است»، هرچند تاکنون ملاک دقیقی برای شناسایی مخالف و منحرف از غیر مخالف و غیر منحرف شناسایی نشده است. شاید گفته شود ظاهر و مدلول ماده مزبور صرفاً در مقام بیان جواز نقل مطلب از منابع گروه‌های منحرف و مخالف اسلام است؛ لذا در این موارد با وجود عمد در نسبت دادن آثار و نوشته‌های دیگران از منابعی که مخالف آموزه‌های اسلامی هستند، بدون ذکر منابع نمی‌تواند مختص تعریف جرم سرقت ادبی باشد، ولی خبر جمله مذکور این ماده، یعنی نقل مطالب و بلامانع بودن، کافی است که این نوع رفتار را از اطلاق جرم سرقت ادبی خارج کند. البته این مهم مقید به این است که اولاً، مبتدا یعنی نقل مطالب مقید به نقل از رسانه و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف نظام باشد و ثانیاً، نقل مطالب به‌منظور بررسی و تحقیق باشد، والا صرف نقل مطالب از رسانه‌های منحرف و مخالف اسلام بدون انتساب به صاحب آن حتی برای تحقیق و بررسی موجب نمی‌شود که این رفتار را از جرم سرقت ادبی خارج کند.

۱. «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در رفتار مجرمانه احراز شود. در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.»
 ۲. «تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است. در جنایات غیرعمدی اعم از شبه‌عمدی و خطای محض مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال می‌شود.»

۷. مجازات مرتکب جرم سرقت ادبی

جرائم، جزئی از آسیب‌های اجتماعی جدی و مهم هستند. به همین دلیل، درک ابعاد و شیوه‌های ارتکاب جرم و اندازه مجازات و تأثیراتی که بر جامعه در پیشگیری از وقوع جرم یا تأدیب مجرم دارد، واجد اهمیت است. بدون اتکا به یک سیاست کیفری علمی و مؤثر امید آنکه سیاست‌های کاهش جرائم و آسیب‌ها به نتیجه برسد، معقول نیست (عبدی-کلهر، ۱۳۸۸: ۳۱). قانون‌گذار با وضع مجازات خاص علیه مرتکب سرقت ادبی، به سیاست کیفری خاصی نظر داشته است. اینکه مرتکب سرقت ادبی متحمل مجازات سرقت حدی نمی‌شود، بحثی نیست؛ زیرا در «حقوق ایران تنها عین مال، نه حقوق و منافع موجود در مال قابل دزدیده شدن است» (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۲۴۹). مطابق با نص تبصره یک ماده ۶ قانون مطبوعات که جرم سرقت ادبی را تعریف کرده، مجازات آن را در تبصره بند ۱۰ ماده ۶ این قانون با این مقرر آورده است: «متخلف از مواد مندرج در این ماده مستوجب مجازات مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار، مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه است»؛ مجازات مقرر در ماده اخیرالذکر عبارت‌اند از: «... علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس بیش از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود.»

هرچند ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی را اصلاح کرد و به موجب آن، ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) یعنی جرم نشر اکاذیب، داخل در ماده ۱۰۴ قانون مزبور قرار گرفت که در نتیجه آن، نشر اکاذیب موضوع جرم ماده ۶۹۸ تعزیرات قابل گذشت قلمداد شد؛ ولی بر این اساس نمی‌توان جرم سرقت ادبی را قابل گذشت دانست، چراکه موضوع جرم سرقت ادبی غیر از موضوع جرم ماده ۶۹۸ تعزیرات یعنی نشر اکاذیب است و اصل هم بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است؛ مگر اینکه تصریح به خلاف آن شده باشد. لذا همچنان باید به غیرقابل گذشت بودن جرم سرقت ادبی نظر داشت، اما این امر مانع قاضی به استفاده از دیگر تأسیسات ارفاقی مذکور در قانون مثل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات یا آزادی مشروط برای مرتکب جرم سرقت ادبی نیست.

تحقیقاً مجازات حبس و شلاق مذکور در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی که بر مجرمان سرقت ادبی تحمیل می‌شود، ناظر بر اشخاص حقیقی است، نه اشخاص حقوقی؛ چراکه صرفاً

اشخاص حقیقی هستند که متحمل مجازات شلاق یا حبس می‌شوند. لذا این ابهام مطرح است که گویا اشخاص حقوقی مرتکب جرم سرقت ادبی نمی‌شوند. علی‌رغم اینکه در قانون مطبوعات راجع به جرم و مجازات شخص حقوقی به‌مثابه مرتکب سرقت ادبی بحثی نشده، ولی با استفاده از تبصره ماده ۳۵ قانون مطبوعات، دادگاه می‌تواند در جرائم مطبوعاتی، مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازات جزای نقدی، تعطیلی نشریه در مدت معین یا محرومیت موقت از مسئولیت‌های مطبوعاتی تبدیل کند. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که در ماده ۱۴۳ با شرایطی ارتکاب جرم از سوی اشخاص حقوقی را پیش‌بینی کرده، با لحاظ اینکه نسبت به قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ موخرالتصویب است، می‌توان قائل بر این بود که با شرایط تحقق جرم مذکور در قانون مطبوعات، مجازات اشخاص حقوقی مطابق با ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی تعیین می‌شود که از جمله آن‌ها انحلال شخص حقوقی و ممنوعیت موقت تا پنج سال از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی است.

با وقوع هر جرم و انتساب آن به شخص خاص، دادگاه علاوه بر مجازات اصلی که قانون‌گذار مشخصاً برای مرتکب آن جرم در نظر گرفته، ممکن است با شرایطی مجازات مضاعفی با عناوین مجازات تبعی و تکمیلی نیز بر مرتکب جرم تحمیل شود. طبق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی که شرط تحمیل مجازات تکمیلی آن است که جرم ارتكابی «مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک» باشد و اکنون با وضع ماده ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، به دست می‌آید که چون مجازات جرم سرقت ادبی مطابق قانون مطبوعات تعزیری است، دادگاه به محکوم کردن مجرم سرقت ادبی به تحمل یک یا چند مجازات از مجازات تعیین‌شده در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مخیر است. مجازات تبعی نیز با لحاظ شرایط مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی بدون ذکر در حکم صادره بر مجرم تحمیل می‌شود و مجرم را برای مدتی معلوم از حقوق اجتماعی مذکور در ماده ۲۶ این قانون محروم می‌کند. بر این اساس، از آنجا که مجازات سرقت ادبی حبس از دو ماه تا دو سال یا ۷۴ ضربه شلاق است که مصداق هیچ‌یک از بندهای مذکور در ماده ۲۵ این قانون نیست، پس مجرم سرقت ادبی را نمی‌توان برای هیچ مدتی از حقوق اجتماعی محروم کرد که با لحاظ عمدی بودن این جرم و حساسیت جامعه، محل تأمل است.

نتیجه‌گیری

دسترسی آزادانه اشخاص به مقالات و کتب و آثار دیگران و امکان انتشار بعضی یا تمام آن‌ها به نام خود یا شخص ثالث موجب می‌شود که به اعتماد عمومی و نظام علمی و فرهنگی جامعه صدمه جدی وارد آید؛ لذا قانون‌گذار ابتدا با تصویب قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و نهایتاً با انجام اصلاحات در این قانون در سال ۱۳۷۹ در بند ۹ ماده ۶ سرقت ادبی را با شرایطی جرم و قابل مجازات دانسته است. وسیله ارتکاب وقوع این جرم نشریه است. نشریه اخص از رسانه و اعم از کتاب یا روزنامه یا هر چیز دیگری با محتوی غالباً نوشته است که ممکن است مجوز قانونی نشر داشته یا غیرقانونی منتشر شود و اعم از اینکه متن آن فارسی یا غیرفارسی باشد، در داخل یا در خارج از کشور انتشار یابد، حتی شامل نوشته‌هایی هم می‌شود که در فضای مجازی منتشر می‌شوند؛ بنابراین، محتوای نرم‌افزاری که در فضای مجازی منتشر شده باشد نیز موضوع جرم سرقت ادبی است؛ چراکه این محتوا می‌تواند عرفاً مصداق نوشته یا اثر باشد. موضوع جرم سرقت ادبی، آثار یا نوشته‌های دیگران است که لزوماً با نوآوری همراه یا مفهوم خاص علمی، فرهنگی، هنری، ادبی داشته باشند. استفاده از آثار خود یا ارجاع ندادن شخص صاحب اثر در اثر جدید به آثار قبلی خودش جرم سرقت ادبی تلقی نمی‌شود؛ مگر اینکه این اثر یا نوشته مشترک با دیگران نیز باشد و دیگران (در صورت تعدد) حتی یک شخص از آن‌ها نیز رضایت به نشر آن نداده باشد. تمام حقوق صاحب نوشته‌ها و آثار قهراً یا با توافق اعم از کتبی یا شفاهی به دیگری حتی شخص حقوقی قابل نقل و انتقال یا اسقاط است.

نشر اثر بر مبنای الهامات و ایده‌های به زبان یا کلام آمده دیگری را نمی‌توان جرم سرقت ادبی محسوب کرد، زیرا ایده‌ها تجسم مادی ندارند؛ مگر اینکه عیناً در نشریه‌ای منتشر شوند. سرقت ادبی مثل هر جرم مالی دیگر، وقوع آن منوط به عدم رضایت است؛ پس با رضایت قبلی صاحب اثر یا نوشته چنین جرمی واقع نمی‌شود. حتی اگر این رضایت یا همان گذشت، بعد از جرم، ولی قبل از شکایت باشد نیز نمی‌توان مرتکب نشر را تحت تعقیب جزایی قرار داد. از آنجا که مرتکب جرم سرقت ادبی مطابق با تبصره ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات ۱۳۷۹ مشمول مجازات مذکور در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی است، جرم سرقت ادبی، به اعتباری جرم غیر قابل گذشت محسوب می‌شود؛ چراکه با وضع ماده ۱۰ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ که

نظر بر اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی دارد، جرائم خاصی از جمله جرم موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی قابل گذشت اعلام شد، نه جرائم دیگری که مجازات آن‌ها مشمول مجازات ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی است؛ البته تعقیب جزایی مرتکب جرم سرقت ادبی نیاز به شکایت شاکی دارد، ولی چون این جرم قابل گذشت اعلام نشده، با لحاظ اینکه این جرم تعزیر درجه ۶ است، مستند به ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی مشمول مرور زمان پنج‌ساله است.

جرم سرقت ادبی با قصد واقع می‌شود که فرع بر علم و اراده مرتکب است. فرض بر علم مرتکب به قانون محتوای جرم سرقت ادبی است، ولی باید علم مرتکب به عناصر موضوعی مقوم این جرم ثابت شود و قصد خاص نشر آثار و نوشته‌های دیگران را در نشریه داشته باشد. غالباً مرتکب جرم سرقت ادبی شخص حقیقی است، ولی شاید نوشته یا اثر دیگران با دستور اشخاص حقوقی در نشریه‌ای منتشر شود. در این صورت، شخص حقوقی مطابق با ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شود، اما مجازات شخص حقیقی مرتکب جرم سرقت ادبی مطابق با ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات ۱۳۷۹، از یک ماه تا یک سال حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق است و میزان دقیق آن با نظر قاضی تعیین می‌شود؛ مضافاً ممکن است مرتکب سرقت ادبی با اختیار قاضی دادگاه به یک یا چند مجازات تکمیلی مندرج در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی نیز محکوم شود، ولی چون مجازات جرم سرقت ادبی تعزیر درجه ۶ است، مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی برای هیچ مدتی بر مرتکب محکوم به سرقت ادبی تحمیل نمی‌شود.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

الف) کتاب‌های فارسی

۱. افشین وفايي، محمد، شهريار شاهين‌دژي، *نامه‌های خاموشان*، تهران، ج ۱، نشر سخن، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *فن استدلال در منطق حقوق اسلام*، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۷.
۳. *درباره نشر کتاب و حق مؤلف*، زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۵. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد اول، تهران، انتشارات نگاه، چاپ هفتم، ۱۳۹۳.
۶. رشیدالدین وطواط، *دیوان*، تصحیح سعید نفیسی، تهران، انتشارات بارانی، چاپ اول، ۱۳۳۹.
۷. زرین کوب، عبدالحسین، *نقد ادبی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، ۱۳۸۹.
۸. عبدی، عباس، سمیرا کلهر، *جرم؛ مجرم و مجازات در ایران*، تهران، نشر علم، ۱۳۸۸.
۹. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات اشجع، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۰. گرباود، الکساندر، مترجم غلامرضا لایقی، *الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی‌رایت)*، تهران، انتشارات خانه کتاب، ۱۳۸۰.
۱۱. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست‌وپنجم، ۱۳۸۸.
۱۲. موحد، محمدعلی، *در هوای حق و عدالت؛ از حقوق طبیعی تا حقوق بشر*، تهران، نشر کارنامه، چاپ پنجم، ۱۳۹۶.
۱۳. میرمحمد صادقی، حسین، *جرائم علیه اموال و مالکیت*، تهران، نشر میزان، چاپ سی‌وپنجم، ۱۳۹۲.

۱۴. نامور مطلق، بهمین، *بینامتنیت*، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۹۵.
۱۵. همایی، جلال‌الدین، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
۱۶. هیرمندی، رضی، *فرهنگ گفته‌های طنزآمیز*، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.

کتاب‌های عربی:

۱۷. السیوطی، جلال‌الدین، *الفارق بین المصنف و السارق*، نشر عالم الکتب، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
۱۸. رازی، شمی‌الدین محمدبن قیس، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
۱۹. عزام، محمد، *النص الغائب*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۷۸.

مقاله‌ها:

۲۰. آذرنگ، عبدالحسین،، مجله فرهنگی هنری بخارا، سال بیست‌ودوم، بهمین و اسفند ۱۳۹۷، شماره ۱۲۹، صص ۱۰۴-۹۲.
۲۱. جعفری، علی، بررسی حقوقی ضابطه اصالت آثار ادبی و هنری، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۶۵، صص ۳۶-۱۵.
۲۲. حبیب‌زاده، محمدجعفر، باقر شاملو، *سرقت مال مشاع*، نامه مفید، بهار ۱۳۸۱، شماره ۲۹، صص ۵۲-۳۹.
۲۳. چهرقانی، رسول، *نارسیسم یا خودشیفتگی در شعر خاقانی*، آموزش زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۲، سال هفدهم، شماره ۶۸، صص ۴۹-۴۵.
۲۴. شاکری، زهرا، *سرقت علمی و ضمانت اجراهای مقابله با آن*، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، زمستان ۱۳۹۸، شماره چهار، دوره ۴۹، صص ۶۷۵-۶۵۵.
۲۵. شریف‌زاده، رحمان، *رویکرد فازی و ادبی به سرقت ادبی*، راهبرد فرهنگ، شماره ۵۴، پاییز ۱۴۰۰، ۱۳۴-۱۱۱.

۲۶. صالحی، جواد، معصومه سالاری راد، **کپی‌رایت و مؤلفه‌های آن؛ جلوه‌ای از مالکیت فکری**، فصلنامه معرفت حقوقی، پاییز ۱۳۹۰، شماره اول، ص ۹۰-۶۷
۲۷. مرتضایی، سیدجواد، **از توارد تا سرقت ادبی**، فنون ادبی، (پیاپی ۱۰) بهار و تابستان ۱۳۹۳، سال ششم، شماره ۱، ص ۶۸-۵۹.

(ب) منابع انگلیسی:

28. A.S.Hornby, **OXFORD Advance learner's DICTIONARY**, Tehran, Mahtab, 2002
29. Bouville, Mathieu, **plagiarism word and idea**, Volume 14, September 2008, 311-322.
30. Black, Rita, **The commodification of literature in Martial's Epigrams**, Honors Thesis Collection, may 2017, 1-70.
31. E Lakhan, Shaheen, Meenakshi K Khurana, **Intellectual property, copyright, and fair use in education**, Journal of Academic Leadership, Volume 6, Issue 4, 2008, 1-11.
32. Hogan, Joseph, **Academic Integrity: A Study of Attitudes and Behaviors focused on Technology & Narcissism**, Information Systems Undergraduate Honors Theses. 2012, 1-29.
33. Wheeler, Greg, **Plagiarism in the Japanese universities: Truly a cultural matter?**, Journal of Second Language Writing, Volume 18, Issue 1, March 2009, 17-29.

